

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

**بررسی نماد در شعر معاصر با تاکید بر آثار سلمان
هراتی، سید حسن حسینی و طاهره صفارزاده**

استاد راهنما:

آقای دکتر محمدرضا یوسفی

استاد مشاور:

آقای دکتر یحیی کاردگر

نگارنده:

صدیقه رسولیان آرانی

بهار ۹۰

چکیده

نماد از منظر علوم بلاغی، کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القا کند. بیان اندیشه‌های غامض عرفانی و انعکاس غیرمستقیم اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی در قالب نمادین، سبب ظهور ویژه نماد در گستره شعر فارسی شده است. در ادبیات معاصر، علاوه بر عوامل مذکور، بروز مکاتبی که گرایش خاص به ابهام دارند، توجه به نمادپردازی را افزون‌تر می‌نماید. از این بررسی نمادهای شعر معاصر گره‌گشای ابهام حاکم بر آنهاست. در این پژوهش، نمادهای موجود در شعر هراتی، حسینی و صفارزاده (از هر کدام سه دفتر شعر) که از شاعران برجسته انقلاب و جنگ محسوب می‌شوند، در سه دیدگاه کلی معنایی، اجزا و عناصر تشکیل دهنده و میزان ابهام مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دیدگاه معنایی، نماد را از لحاظ با حوزه‌هایی فکر و اندیشه، مانند: اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی، عرفانی و مذهبی مورد بررسی قرار می‌دهد. برخلاف نمادهای اجتماعی، (به جز یک مورد) نمادهای صرفاً سیاسی در این پژوهش یافت نشده، بلکه معمولاً در تلازم با نمادهای اجتماعی به کار رفته‌اند و فصل مشترک آنها، مسائل مربوط به انقلاب و دفاع مقدس است. نمادهای عرفانی و مذهبی در عین استقلال توانسته‌اند نمادهای اجتماعی و سیاسی را تحت تاثیر قرار داده و نمادهای چندوجهی به دست بدهند. توجه به این نکته لازم است که نمادها به جهت معنایی می‌توانند با گذشت زمان و تغییر شرایط، دگردیسی معنایی داشته باشند. نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل دهنده، در دو دسته نمادهای طبیعی (شامل عناصر و مظاهر طبیعی و نمادهای حیوانی) و نمادهای غیرطبیعی (شامل نمادهای انسانی و نمادهای تاریخی و اسطوره‌ای) جای می‌گیرد که نمادهای طبیعی، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. در بررسی نماد از دیدگاه میزان ابهام، نمادهای حقیقی - نماد مطابق با تعریف اصلی خود- و موارد نزدیک به نماد، یعنی کنایه‌های رمزی و استعاره‌های نمادنا قابل تعریفند. نتایج نشان می‌دهد که هراتی با ۵۵ درصد صفارزاده با ۳۰.۸ درصد و حسینی با ۱۴.۲ درصد در رده‌های اول تا سوم نمادپردازی قرار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت در روند نمادپردازی تاثیری ندارد، بلکه بسته به سبک و رویکرد شاعر است.

واژگاہ کلیدی: بلاغت، نمادپردازی، شعر معاصر، سلمان هراتی، حسن

حسینی، طاهره صفارزاده، شعر انقلاب و دفاع مقدس

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول	۶
کلیات	۶
۱-۱ تعریف لغوی نماد، رمز و سمبل	۷
۲-۱ تعریف اصطلاحی نماد	۸
۳-۱ علل نمادسازی و نمادپردازی	۹
۴-۱ زمینه شکل گیری نماد در شعر	۱۱
۵-۱ تفسیر نماد	۱۱
۶-۱ ویژگی های نماد و بیان نمادین	۱۲
۷-۱ انواع نماد	۱۵
۸-۱ نماد و مناسبات آن با بلاغت	۱۶
۱-۸-۱ نماد و استعاره	۱۷
۲-۸-۱ نماد و کنایه	۱۸
۳-۸-۱ نماد و تمثیل	۱۹
۴-۸-۱ نماد و نشانه	۱۹
۹-۱ مکتب سمبلیسم	۲۱
۱۰-۱ سمبلیسم در شعر فارسی	۲۳
فصل دوم	۲۹
نماد از دیدگاه معنایی	۲۹
۱-۲ اشعار و نمادهای اجتماعی و سیاسی	۳۰
۲-۲ نمادهای عرفانی و مذهبی	۶۵
۱-۲-۲ نمونه های نماد عرفانی	۶۷
۲-۲-۲ نمادهای مذهبی و نمونه های آن	۷۳
فصل سوم	۸۲
نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل دهنده	۸۲

۸۳	۱-۳ نمادهای طبیعی
۸۳	۱-۱-۳ عناصر و مظاهر طبیعی
۱۰۸	۲-۱-۳ نمادهای حیوانی
۱۱۴	۲-۳ نمادهای غیرطبیعی
۱۱۴	۱-۲-۳ نمادهای انسانی یا مدنی
۱۲۵	۲-۲-۳ نمادهای تاریخی و اسطوره ای
۱۳۵	فصل چهارم
۱۳۵	نماد از دیدگاه میزان ابهام
۱۳۶	۱-۴ ابهام
۱۴۱	۲-۴ نماد و ابهام
۱۵۲	فصل پنجم
۱۵۲	نتیجه گیری و پیشنهادها
۱۵۳	۱-۵ نتیجه گیری
۱۶۲	۲-۵ پیشنهادها
۱۶۴	پیوست (زندگینامه شاعران مورد بررسی، به ترتیب حروف الفبا)
۱۶۹	فهرست منابع

مقدمه

تعریف مسأله و بیان پرسش‌های پژوهش

«نماد» کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است که علاوه بر معنی ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای را به خواننده القا کند و عمل به کارگیری یا شیوه به کار بردن، پردازش و تبدیل مفاهیم به نماد را «نمادپردازی» گویند. نماد از دیرباز در شعر عرفانی - خصوصاً به دلیل برخورداری از جنبه‌های اساطیری، اشراقی و الهامی - وجود داشته و نیز تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی است. با وجود ماهیت متنوع و رازآمیز نماد، اهمیت آن در شعر (و البته در شعر معاصر) بسیار زیاد است. علاوه بر سانسورهای ادبی و تفتیش عقاید ناشی از حاکمیت حکومت‌های دیکتاتور مآبانه گذشته و نیز آشنایی با کار شاعران نمادگرای فرانسوی، مهمترین عامل گرایش شاعران معاصر به «نمادپردازی» غنی کردن جوهر ادبی آثار هنری است؛ یعنی شاعران، پس از نیما، دریافتند که خواننده معاصر از ساده‌گویی و ساده اندیشی دلزده می‌شود. این تفکر، شاعران را واداشت تا در پاسخ به کثرت‌گرایی معنایی و ساده‌گریزی خواننده، به سخن نمادین روی آورند؛ یعنی به وسیله گستردگی حوزه مفهومی و توان بی‌مانند تداعی‌انگیزی نماد و افزونی امکانات و قابلیت‌های معنایی در لفظی اندک، به سمت یکی از اغراض هنر، یعنی «ابهام» متمایل شوند. در پی این روند، انواع نماد به شعر راه یافت و خواننده را بر آن داشت تا برای درک و فهم شعر معاصر و کنار زدن پرده‌های ابهام، انواع نماد را بر اساس معیارهای مختلفی همچون وسعت و شمول، جایگاه نماد در اثر، سیر تاریخی و طبیعی، پیوستگی با تفکر و اندیشه، پیوستگی با حوزه‌های علوم، ارزش‌های بنیادی و تکوینی، جنس پدیده‌ها و موضوعات و... مورد شناسایی قرار دهد و روز به روز به دنبال شناخت انواع دیگری باشد؛ اما این، برای برقراری ارتباط با نمادهای معاصر و فهم شعر، کافی نیست؛ چراکه عناصر نمادین که در سراسر تاریخ شعر فارسی، مفاهیم خاص یافته‌اند، چندان که هر فارسی‌زبان، هرچند ارتباط کمی با عر داشته باشد، می‌تواند آنها را دریابد و گاه در مناسبات

روزمره خود از آنها بهره گیرد، ناگهان در شعر نیما، سیما و سیرتی دیگر پیدا می-کنند و مفاهیمی را می‌یابند که بیش از هر چیز حاصل نوعی جهان‌بینی ویژه است؛ مفاهیمی که خاص اندیشه و نگاه اجتماعی-سیاسی او به نظام هستی است؛ لذا با توجه به اختلاف و تفاوت و حتی تقابل معنایی در نمادهای شعر کلاسیک و شعر معاصر، برداشت و تلقی خوانندگان در دریافت و معنایابی نمادها، نباید مستقل از بافت و اقتضای حال باشد. بنابراین اهمیت شناسایی نماد در شعر معاصر، پژوهشگر را بر آن داشته تا آن را در آثار سه تن از شاعران معاصر (هراتی، حسینی و صفارزاده) مورد بررسی قرار دهد. در این راستا سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱. موضوعات اصلی نماد در شعر معاصر چیست؟
۲. چه تغییر بارزی در روند نمادپردازی در دوران معاصر شکل گرفته است؟
۳. نمادپردازی در اشعار زنان و مردان (در دوره معاصر) از لحاظ کمیت و کیفیت چه تفاوتی می‌کند؟
۴. نمادهای این شاعران کدامند؟

ضرورت انجام پژوهش

۱. شعرای معاصر تحت تأثیر اختناق و استبداد حاکم بر جامعه و یا سانسورهای ادبی، آشنایی با شاعران نمادگرای فرانسوی، ابهام‌آفرینی و در نتیجه غنای معنایی، به نمادپردازی روی آورده و از سخنان مبهم و چندلایه بهره برده‌اند؛ لذا برای فهم شعر معاصر و گره‌گشایی ابهام حاکم بر آنها، بررسی و معرفی نمادها ضروری است.

۲. از آن جایی که معمولاً دسته‌بندی‌های ارائه شده در مورد نماد، جزئی هستند و نمی‌توانند دربرگیرنده تمامی انواع نماد (لااقل به طور تقریبی) باشند، ضرورت دارد دسته‌بندی‌های کلی‌تر و جامع‌تری ارائه شود.

۳. حوزه شعر انقلاب و دفاع مقدس، از جمله حوزه‌های شعر معاصر است که غریب و مهجور مانده و کمتر به بررسی آن و نمادهای موجود در آن

پرداخته شده است. عدم بررسی‌های لازم در این زمینه ایجاب می‌کند نمادهایی که حول محور انقلاب و دفاع مقدس به کار گرفته شده‌اند، لااقل در گستره محدودی (مثلاً شعر چند شاعر) مورد بررسی قرار بگیرند؛ لذا در این پژوهش به معرفی نمادهای شعر هراتی، حسینی و صفارزاده که از برجستگان شعر این حوزه محسوب می‌شوند، می‌پردازیم.

اهداف پژوهش

- بررسی حوزه‌هایی از نماد که مفعول مانده است؛ مانند: نمادهای دفاع مقدس

- کمک به فهم شعر معاصر از طریق شناسایی نمادها

فرضیه‌ها

- شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی، دفاع مقدس و عناصر طبیعی از موضوعات اصلی نمادها هستند.

- تلاش جهت نوگرایی نمادها مهم‌ترین تغییر بارز در روند نمادپردازی است.

- بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد کمیت و کیفیت پردازش نمادها چندان ربطی به جنسیت (زن یا مرد بودن) ندارد.

سابقه و پیشینه تحقیق

۱. نماد و تعبیر نمادین در شعر معاصر فارسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره، احمد رضایی جمکرانی؛ به راهنمایی: سعید بزرگ بیگدلی / پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۸

۲. بررسی و تحلیل واقع‌گرایی و نمادگرایی در ادبیات منظوم دفاع مقدس، همایون جمشیدیان؛ به راهنمایی: حسینعلی قبادی / پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۸.

قابل توجه است که جنبه متفاوت این پایان‌نامه، بررسی نمادها در آثار سه تن از شعرای مطرح در موضوع دفاع مقدس است که قبلاً راجع به آنها پژوهشی صورت نگرفته است.

شیوه پژوهش و فصول رساله

این رساله شامل پنج فصل می‌باشد که عبارتند از:

۱. کلیات

۲. نماد از دیدگاه معنایی

۳. نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده

۴. نماد از دیدگاه میزان ابهام

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در فصل اول (کلیات) به مفاهیم اصلی یعنی تعریف لغوی و اصطلاحی نماد، علل نمادپردازی، ویژگی‌های بیان نمادین، زمینه شکل‌گیری نماد، تفسیر نماد، انواع نماد، نماد و مناسبات آن با برخی از عناصر علوم بلاغی مانند: استعاره، کنایه، تمثیل و نشانه، آشنایی با مکتب سمبلیسم و نهایتاً سمبلیسم در ادب فارسی می‌پردازیم.

در فصل دوم (نماد از دیدگاه معنایی) نماد را از لحاظ پیوستگی با حوزه‌های فکر و اندیشه مانند اندیشه‌های اجتماعی، سیاسی، عرفانی و مذهبی مورد بررسی قرار می‌دهیم و از طریق نمونه‌های ارائه شده به معرفی و شناسایی نمادهای هراتی، حسینی و صفارزاده از دیدگاه معنایی می‌پردازیم.

در فصل سوم (نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده) نماد را به دو دسته کلی نمادهای طبیعی (شامل دو زیرگروه عناصر و مظاهر طبیعی و نمادهای حیوانی) و نمادهای غیرطبیعی (شامل نمادهای انسانی یا مدنی و نمادهای تاریخی

و اسطوره‌ای) تقسیم کرده و هر کدام را به طور کامل و همراه با مثال شرح می‌دهیم. در پایان فصل هم جداول مربوطه را جهت شناخت میزان کاربرد نمادها، ارائه می‌کنیم.

در فصل چهارم (نماد از دیدگاه میزان ابهام) پس از تعریف ابهام و معرفی جایگاه، اهمیت و برخی دسته‌بندی‌های ارائه شده در مورد آن، به معرفی و بررسی سه مقوله نمادهای حقیقی، کنایه‌های رمزی و استعاره‌های نمادنا پرداخته و جهت روشن شدن مطلب، مثال‌هایی را می‌آوریم. در فصل آخر هم نتیجه‌گیری حاصل از تمامی فصول و پیشنهادها را ارائه خواهیم کرد.

فصل اول
کلیات

۱-۱ تعریف لغوی نماد، رمز و سمبل

«نماد» با فتح نون و سکون دال (بر وزن سواد)، از نمود (بر وزن ودود) است. «نمودن» یعنی «نشان دادن»؛^۱ در این صورت مفهوم متعددی دارد. همچنین از ریشه «نمود» و «نمودن» به ضمّ نون، به معنی «ظاهر شدن و نمایان گردیدن» در برخی متن‌ها و فرهنگ‌های کهن به چشم می‌خورد. با این تلفظ، مفهوم لازم را دربردارد که در معنی فاعلی نیز به کار رفته است؛ یعنی «ظاهر شوند و نمایان گردند».^۲ در صیغه مصدری (نماییدن) و با مفهوم متعددی (نمایان گردانیدن) نیز آمده است.^۳ نزدیک به همین معنی، کلمات «نمایه»، «نمودن» و گاه «نمونه» و مانند آنها در اشعاری از منابع قدیم به چشم می‌خورد. نظر به همخوانی و قرابت با معانی اصطلاحی رایج امروز نماد در ادبیات و هنر، مناسب‌ترین و جامع‌ترین تعریف لغوی را صاحب آندراج عرضه کرده است که نماد را در مفهوم متعددی و به معنای فاعلی آن، یعنی «ظاهر کننده» و «نشان دهنده» آورده و دهخدا نیز در لغت‌نامه عیناً عبارت آندراج را پذیرفته و شاهد مثال را نیز از همان مأخذ نقل کرده است.^۴

رمز، معادل عربی نماد است که در زبان فارسی نیز به کار می‌رود. این کلمه در اصل، مصدر ثلاثی مجرد از باب «نَصَرَ يَنْصُرُ» ضَرَبَ يَضْرِبُ است. معنی آن به لب، چشم، ابرو، دهن، دست و یا به زبان اشاره کردن است. این کلمه هم‌چنانکه در زبان عربی، در زبان فارسی نیز به معانی گوناگون به کار رفته است؛ از جمله: اشاره، راز، سرّ، ایما، دقیقه، نکته، معما، نشانه، علامت، اشاره کردن، اشاره کردن پنهان، نشانه مخصوصی که از آن مطلبی درک شود، چیز نهفته میان دو کس

۱. ر.ک. فرهنگ غیاث اللغات، ذیل «نماد»

۲. ر.ک. فرهنگ آندراج، ذیل «نماد»

۳. همان

۴. ر.ک. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «نماد»

که دیگری بر آن آگاه نباشد و بیان مقصود با نشانه‌ها و علائم قراردادی و معهود است.^۵

سَمْبِل (Symbol) معادل انگلیسی نماد است و در اصل یونانی از دو جزء «Syn=Sym» و «ballein» ساخته شده است. جزء اول این کلمه به معنی «با»، «هم»، «با هم» و جزء دوم به معنی «انداختن»، «ریختن»، «گذاشتن» و «جفت کردن» است. پس کلمه «Symballein» به معنی «با هم انداختن»، «با هم ریختن»، «با هم گذاشتن»، «با هم جفت کردن» و «سهم دادن»، و «مقایسه کردن» است. کلمه «Symbolé» در یونانی از همان اصل است و به معنی «نشانه» یا «علامت» به کار می‌رود.^۶ به هر حال این کلمه که در ایران، ابتدا از زبان فرانسه با تلفظ «سَمْبِل» ترجمه شده بود، اکنون هم با همان تلفظ در زبان فارسی رایج است؛ به عنوان نمونه فرهنگ نفیسی «سمبل» را چنین تعریف کرده است: «نشانه، نشان، علامت، نماینده، نمونه، رمز، شبه، صورت».^۷ در فرهنگ فارسی معین نیز ذیل سمبل (Symbol) به فرانسه «Symbolé»، معانی نشانه، علامت، مظهر و هر نشانه قراردادی اختصاصی آمده است.^۸

از آنجا که مفهوم این سه لغت، صرف نظر از پاره‌ای اختلافات جزئی، یکی است، در این پژوهش به جهت رعایت اختصار از کلمه «نماد» استفاده می‌شود.

۱-۲ تعریف اصطلاحی نماد

«نماد» از اصطلاحاتی است که روانکاوان و روانشناسان، دین‌شناسان و محققان پدیدارشناسی دینی، پژوهشگران عرصه‌های عرفان و تصوف، اسطوره‌شناسان و هنرمندان مختلف، تعریفی از آن ارائه کرده و از منظر خود به آن

^۵ ر.ک. تقی پورنامداریان، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، دوم، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۶۷، ۱

^۶ ر.ک. همان، ۵

^۷ فرهنگ نفیسی، ذیل «سمبل»

^۸ ر.ک. فرهنگ معین، ذیل «سمبل»

نگریسته‌اند. همین فراگیری، ارائه تعریفی جامع و مانع را از نماد دشوار می‌کند. اگرچه همه افرادی که به تعریف نماد پرداخته‌اند به گنگ بودن و کامل نبودن تعاریف خود اعتراف کرده‌اند، اما در میان تعاریف ارائه شده، نقطه مشترکی وجود دارد و آن عبارت است از اینکه سمبل و نماد باید معنایی فراتر از معنای ظاهری داشته باشد.

سردرگمی و تشویش در تعریف نماد نشانگر این مطلب است که: «نماد عنصری سرکش و غیرقابل تعریف است و تامل و تلاش هرچه بیشتر برای تعریف نماد، فقط به ناگشودگی، بی‌کرانگی و عروج بیشترش مدد می‌رساند.»^۹ یونگ^{۱۰} می‌گوید: «سمبل دارای جنبه ناخودآگاه وسیع‌تری است که هرگز به طور کامل توضیح داده نشده و کسی هم امیدی به تعریف آن ندارد.»^{۱۱}

اما در این پژوهش برای مشخص شدن چارچوب کار، ناچاریم نماد را به عنوان یک مقوله ادبی تعریف کنیم: نماد از منظر علوم بلاغی (که مبنای این پژوهش است) کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است که علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای به خواننده القا کند؛ عمل به کارگیری یا شیوه به کار بردن، پردازش و تبدیل مفاهیم به نماد را «نمادپردازی» گویند؛ در واقع نمادپردازی، مجموعه مراحل و تبدلات فرآیند تکون یک ساختار نمادین است؛ با این توصیف نمادپردازی در برابر «Symbolization» قرار می‌گیرد.^{۱۲}

۱-۳-۱ علل نمادسازی و نمادپردازی

هنگام مواجه شدن با نمادها و متون رمزی و سمبلیک، این سوال به ذهن متبادر می‌شود که چرا انسان از زبان نمادین بهره می‌جوید؟

^۹. حسینعلی قبادی، «نظری بر نمادشناسی و اختلاف و اشتراک آن با استعاره و کنایه»، مجله دانشکده ادبیات و

علوم انسانی مشهد، شماره ۳ و ۴، سال ۲۸، ۳۴۷

^{۱۰}. Carl Gustav Jung، روان‌شناس و متفکر سوئیسی

^{۱۱}. کارل گوستاو یونگ، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه ابوطالب صارمی، اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲، ۲۴

^{۱۲}. رک حسینعلی قبادی، آیین آیین، دوم، تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸، ۴۴

به این پرسش، جواب‌های گوناگونی داده‌اند:

۱. انسان زمانی که به بیان دریافت‌های خود از جهان دیگر یا جهان ماورای حس می‌پردازد، به همان اندازه که شناختنش به طریق علمی دشوار است، بیانش نیز دشوار می‌نماید؛ به همین دلیل در بیان معرفت خویش ناچار از زبان نمادین سود می‌برد.^{۱۳}

۲. دلیل دوم، غیرقابل تعریف بودن برخی مفاهیم است. یونگ می‌نویسد: «چون اشیای بی‌شماری و رای فهم انسانی قرار دارد، ما پیوسته اصطلاحات نمادین را به کار می‌بریم تا مفاهیمی را نمودار سازیم که نمی‌توانیم تعریف کنیم یا کاملاً بفهمیم؛ این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور نمادین به کار می‌برند؛ اما این استعمال ناخودآگاه نمادها فقط یکی از جنبه‌های یک حقیقت مهم روان‌شناسی است. انسان خود به خود و به طور ناخودآگاه نیز نمادهایی به شکل رویا می‌آفریند.»^{۱۴}

۳. نماد باعث می‌شود که ما بر اثر کاوش ذهنی سعی کنیم آن را حدس بزیم و این لذت کار را دوچندان می‌کند؛ لذا مالارمه^{۱۵} اعتقاد داشت که: «بردن نام شیء، سه چهارم لذت شعر را از بین می‌برد، لذتی را که از حدس زدن تدریجی آن شیء به انسان دست می‌دهد.»^{۱۶}

۴. وفور معانیی که شاعر و نویسنده را در خود گرفته، باعث می‌گردد شاعر به زبانی پناه ببرد که به نوعی حق همه مفاهیم و ذهنیاتش را ادا کند و بهترین طریق، همان نماد و زبان نمادین است.^{۱۷}

^{۱۳}. رک تقی پورنامداران، رمز و داستان‌های رمزی، ۳۵

^{۱۴}. همان، ۳۶

^{۱۵}. Stephan Mallarme، شاعر فرانسوی

^{۱۶}. رک رضا براهنی، طلا در مس، اول، تهران: نویسنده، ۱۳۷۱، ج ۲، ۶۶۷

^{۱۷}. رک. احمد رضایی جمکرانی، نماد و تعبیر نمادین در شعر فارسی از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶ با تکیه بر آثار پنج تن از شاعران این دوره، به راهنمای سعید بزرگ بیگدلی، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) - دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۷۸، ۱۲

۵. زبان نمادین، تنها زبان جهانی است که بین همه انسان‌ها شایع است.^{۱۸}
با این اوصاف چندان بی‌وجه نیست اگر نماد در شعر فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد و نیز، از ارکان مضمون‌ساز شعر معاصر به شمار می‌رود.

۱-۴ زمینه شکل‌گیری نماد در شعر

شاعران معمولاً نمادها را از زمینه‌های فرهنگی که در جامعه وجود دارد استخراج می‌کنند. از این رو طبقاتی از مردم برای درک آن آمادگی بیشتری دارند. به هر حال در نماد معمولاً یک قرینه فرهنگی مطرح است؛ مثلاً در این شعر نیما: «شب قورق باشد بیمارستان» ظاهراً بیمارستان نماد ایران و جامعه ایرانی عصر شاعر است. بیمارستان در فرهنگ ما با سکوت، بدبختی و گرفتاری همراه است. گاهی زمینه نماد، سنن ادبی و تلمیحات است؛ مثلاً: گندم با توجه به تلمیح گندم خوردن آدم و حوا می‌تواند نماد بلیه و بدبختی باشد و یا سلیمان که نماد هیبت است. اما به طور کلی نماد حد و حدودی ندارد و نویسنده به مناسبات بحث خود هر چیزی را می‌تواند تبدیل به نماد کند، چنان که مولانا کرده است و خواننده باید به قراین معنوی متوجه نمادهای او شود:

«حرف قرآن را ضریبان معدند
خر نبینند و به پالان بر زنند»^{۱۹}
خر که معمولاً نماد تن یا کندفهمی است، در اینجا نماد اصل و باطن است و پالان را نماد ظاهر و فرع قرار داده است.^{۲۰}

۱-۵ تفسیر نماد

اغلب شاعران عارف، که مخاطبان آنها عامه مردم بودند، خود، نمادها را معنی می‌کردند؛ مثلاً مولانا در داستان طوطی و بازرگان، طوطی را نماد روح گرفته است که از هندوستان آن جهان جدا مانده و در قفس دنیا اسیر است و تا دست از

^{۱۸}. ر.ک. احمد رضایی جمکرانی، همان.

^{۱۹}. جلال‌الدین محمد بن محمد مولوی، *مثنوی معنوی*، دوم، تهران: هرمس، ۱۳۸۴، ۲۰۹.

^{۲۰}. ر.ک. سیروس شمیسا، *بیان، نهم*، تهران: فردوس، ۱۳۸۱، ۲۱۳-۲۱۴.

صفات نشوید و مرگ ارادی را نپذیرد از قفس بازرگان رها نمی‌شود. خود او در پایان داستان، نماد طوطی را چنین معنی می‌کند:

«قصه طوطی جان زین سان بود کو کسی که محرم مرغان بود»^{۲۱}

و گاهی تفسیر نماد در عنوان داستان آمده است؛ چنان که در دفتر پنجم می‌گوید: «مریدی درآمد به خدمت شیخ و از این شیخ، پیر در سن نمی‌خواهم بلکه پیر در عقل و معرفت».^{۲۲}

توضیح نماد در ادبیات سنتی ما، معمولاً به صورت اضافه تشبیهی است که به آن اضافه سمبلیک (نمادین) هم می‌گویند؛ به عنوان مثال در سنن ادبی، «صبا» نماد کسی است که بین عاشق و معشوق خبر می‌برد و می‌آورد و حافظ آن را به شکل اضافه تشبیهی بیان کرده است: «که هرچه گفت برید صبا پریشان گفت!»^{۲۳} اما در ادبیات معاصر تفسیر نمادها چندان کار آسانی نیست و جز نقادان، ادبا و اهل ذوق، دیگران قادر به تشخیص و توضیح آنها نیستند؛ لذا وظیفه منتقدان، ادیبان و شارحان است که آنها را معرفی کرده و با توضیح و تفسیرشان راه را برای تشخیص بهتر و آسان‌تر هموار کنند.

۱-۶ ویژگی‌های نماد و بیان نمادین

عمده‌ترین ویژگی‌های سخن نمادین عبارتند از: آشنایی زدایی، معنازایی، اثرگذاری در قوام فرهنگ‌ها و ایجاد وحدت ملی و هدایت جمعی و تحول ارتباط با پدیده‌ها و تقویت جنبه‌های تفسیرپذیری که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود:

۱. آشنایی زدایی (defamiliarization) یا بیگانه‌سازی (making

different) از جمله مباحث فرمالیست‌های روس، به خصوص شک洛夫سکی است. از جمله معانی این اصطلاح در آثار وی عبارت است از: تمامی شگردها و فنونی که مولف آگاهانه از آن سود می‌جوید تا «جهان متن را به چشم مخاطبان

^{۲۱}. جلال‌الدین محمد مولوی، ۷۳

^{۲۲}. همان، ۷۷۶

^{۲۳}. ر.ک. سیروس شمیسا، بیان، ۲۱۷-۲۱۹

بیگانه بنمایاند.» نویسنده به جای مفاهیم آشنا، واژگان، شیوه بیان و یا نشانه‌های ناشناخته را به کار می‌گیرد.^{۲۴}

با توجه به این مفهوم روی آوردن به نماد یکی از راه‌های آشنایی زدایی یا فراتر از آن، نهایت آشنایی زدایی است؛ یعنی آن گاه که شاعر به سخن نمادین رو می‌آورد و هاله‌ای از معانی ناآشنا را که در پشت کلام پنهان است، به کار می‌گیرد. هنگامی که شاعر تحت تاثیر هیجان عاطفی شدید سخن می‌گوید، به معنی نمی‌اندیشد و معانی مختلفی که تحت تاثیر حالت عاطفی شدید در ذهن او حضور می‌کند، انگیخته‌حالتی است که شاعر با آن درگیر است. در این حال زبان برای بیان این حالت، باید ظرفیت تازه‌ای از طریق به کارگیری همه عناصر ممکن آشنایی زدایی پیدا کند؛ بنابراین آشنایی زدایی از زبان به گونه‌ای کاملاً آگاهانه برای افزایش ظرفیت انتقال عاطفه علاوه بر انتقال معنی صورت نمی‌گیرد؛ به همین سبب صورت‌های خیال که در علم بلاغت قدیم هیچ گاه نمی‌بایست چندان معنی را مبهم کند که مانع اصلی رسانگی معنی شود، در اینجا تبدیل به نماد می‌شود که معنی آن قابل تشخیص نیست و چون معنی در این حال در شعر مکتوم است یا بهتر بگوییم معانی متعدد در آن، وجود بالقوه دارد، کشف معانی به عهده خواننده و در گرو تاویل به اقتضای ذهن او می‌ماند.^{۲۵}

چنانچه بیان شد، آشنایی زدایی حاصل از نماد، برخلاف نظر شکلوفسکی، آگاهانه نیست، بلکه به صورت ناآگاهانه روی می‌دهد؛ پس در بیشتر موارد «ناآگاهانه بودن» یکی از ویژگی‌های نماد است که یونگ هم بر آن بسیار تاکید کرده است.

۲. نمادها از آنجا که دارای معانی ضمنی هستند، به لایه‌های معنایی فراتر از خود اشاره دارند و پیوسته در حال فریه شدن و معنازایی‌اند، چراکه نماد «زاده درهم فشردگی و جابه‌جایی و ترجمان ناخودآگاه روان آدمی است»^{۲۶} و این درهم

^{۲۴}. رک بابک احمدی، ساختار تاویل متن، اول، تهران: مرکز، ۱۳۷۰، ج ۱، ۴۸.

^{۲۵}. رک تقی پورنامداریان، سفر در مه، تهران: زمستان، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۵.

^{۲۶}. میرچاد الیاده، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمه جلال ستاری، اول، تهران: توس، ۱۳۶۲، ۴۵.

فشرده‌گی در عرصه زبان معناهای متعدد را القا می‌کند^{۲۷}؛ همین کشف معانی متعدد است که لذت ادبی حاصل از نماد را مضاعف می‌نماید.

۳. نمادها رابطه ما را با جهان بیرون تحت تاثیر قرار می‌دهند، به همین دلیل ملت‌های دارای فرهنگ‌های ریشه‌دار، استوار و پرمایه، از نمادهای گسترده‌تر و عمیق‌تری برخوردارند؛ لذا فرهنگ این اقوام آسیب‌ناپذیرتر و پابرجاتر است. نمادها تصویری منفرد از مفاهیم نیستند، بلکه در جوهر و ذات معانی ضمنی و مدلول‌هایی که از آنها برمی‌خیزند، سهیمند؛ مانند: نماد «کبوتر» که علاوه بر القای صلح و دوستی در ترسیم مدلول و تحقق و واقعیت صلح و سازگاری نیز می‌تواند موثر باشد و یا «پرچم» که علاوه بر نمایاندن استقلال و اقتدار ملی، در تحقق واقعیت و حقیقت آن نیز اثرگذار است.^{۲۸} نمادها دارای هویت جمعی هستند و از آنجا که وحدت کلی دارند، از لازمه پذیرش جمعی نیز برخوردار شده‌اند. همه متفکرانی که به بحث درباره نظریه‌های ادبی پرداخته‌اند از ارسطو تا هگل و غیره، بر وحدت کلی نماد تاکید کرده‌اند.^{۲۹}

۴. به دلیل اینکه نماد ماهیتا مبهم و چندمدلولی است، بستری مساعد برای تولید معنی و تفسیر به شمار می‌آید. نمادها چگونگی ارتباط ما را با پیرامون، اشیا و فرآیندهای بیرونی متحول می‌سازند؛ چراکه فقط با قوه عقلانی و منطقی آدمی سر و کار ندارند، بلکه همه تارهای هستی او را به ارتعاش درمی‌آورند، به طوری که پژوهش در سراسر وجود آدمی تاثیر می‌گذارد. از این رو هر نمادی در فرهنگ و فضایی که به کار می‌رود، ارتباط و نسبتی خاص با پیرامون خود برقرار می‌کند و درک درست القائات و معناهای آن با تامل و دقت در فضای اطراف آن ممکن می‌شود.^{۳۰}

۲۷. رک. حسینعلی قبادی، آیین آیین، ۴۷

۲۸. همان

۲۹. رک. دیوید دیچز، شیوه‌های نقد ادبی، غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی، اول، تهران: علمی، ۸۳-۸۵

۳۰. رک. حسینعلی قبادی، همان، ۴۷-۴۸

۱-۷ انواع نماد

تا کنون انواع متنوعی بر حسب معیارهای مختلف برای نماد ارائه شده است؛ به عنوان مثال: تقسیم‌بندی نمادها بر حسب وسعت و شمول، جایگاه نماد در اثر، سیر تاریخی و طبیعی نماد، پیوستگی با تفکر و اندیشه، ارتباط با حوزه‌های علوم، ارزش‌های بنیادی و تکوینی، جنس پدیده‌ها و موضوعات، کلیشه و ابداع، آفرینش آگاهانه و یا ناخودآگاه و ...^{۳۱}

اما آنچه در این پژوهش برای تقسیم نماد ارائه می‌شود، تقریباً بی‌سابقه و کلی‌تر از دسته‌بندی‌های فوق است، به طوری که می‌توان همه انواع نماد را در آن جای داد. از آنجا که در فصول بعدی به طور مفصل و همراه با مصادیق و مثال‌ها به آن می‌پردازیم، ذیلاً به طور موجز و مختصر به آن اشاره می‌کنیم:

۱. نماد از دیدگاه معنایی

دیدگاه معنایی، نماد را از لحاظ پیوستگی با حوزه‌های فکری مانند اندیشه‌های عرفانی (و یا مذهبی)، سیاسی، اجتماعی و ... بررسی می‌کند. دیدگاه معنایی یعنی اینکه نماد از طریق معانی و مفاهیم دربردارنده خود چه هدفی و آن هدف را در چه زمینه‌ای برای مخاطب به کار گرفته است؛ مثال پر رنگ و شناخته شده‌ای که برای دیدگاه معنایی قابل ذکر است نمادهای مولانا است که دربرگیرنده اندیشه‌های عرفانی است.

۲. نماد از دیدگاه اجزا و عناصر تشکیل دهنده

در این دیدگاه می‌توان نماد را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول. نمادهای طبیعی: یعنی نمادهایی که مرتبط با طبیعت هستند و خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف. عناصر و مظاهر طبیعی: این گروه از نمادها، همان عناصر و مظاهر طبیعت هستند (مثل: کوه، جنگل، دریا، شب، بهار و ...) که شاعر به فراخور فضای شعر، جهت انتقال معنی موردنظرش از آن بهره می‌گیرد. عناصر و مظاهر طبیعی از

^{۳۱}. ر.ک. حسینی قبادی، همان، ۵۴-۵۷ (با تلخیص)